

# گفت و شنود



## اخلاق اسلامی

آیه الله مشکینی

● چگونه می توان از ارتکاب گناه خودداری نمود؟

■ انسان دشمنانی دارد که در قلب او وسوسه می کنند و قرآن نیز در سوره ناس از آنان با عنوان وسواس خناس یاد می کند، اما در مقابل آنان بایستی آدمی به خدا پناه ببرد و از او یاری بخواهد.

علامه علت را جویا شد و او گفت: چرا شما درس را رها کردید و به زیارت مستحب رفتید؟ علامه کتاب کوچکی را که تبصره نام نهاده بود و یک دوره مختصر فقط به شمار می رفت به فرزند نشان داد و گفت: فرزندم، من در این سفر یک دوره فقه نگاشته ام.

بر همین اساس است که حضرت میرالمؤمنین فرموده است: «المومن اشح بوقتہ من درهمه و دیناره». مؤمن از درهم و دینارش می گذرد ولی از وقتش نمی گذرد.

در روایتی وارد شده است که شخصی حضور امام صادق علیه السلام رسید و گفت: آقا، دشمن من شیطان است، او مرا می بیند و من او را نمی بینم. چاره چیست؟ حضرت فرمود: برو و با کسی باش که او دشمنت را می بیند و دشمن او را نمی بیند.

● به نظر شما علت تقدم سمع بر بصر در آیات الهی چیست؟  
■ سمع در قرآن همواره و با غالباً مقدم بر بصر ذکر شده است و این بدان جهت است که قوه سامعه از نظر فواید، قایل مقایسه با قوه با صره نیست. اگر انسانی کور مادرزاد هم باشد، ممکن است به وسیله قوه سامعه خویش درس بخواند و فقیه و دانشمند و پروفیسور هم بشود، اما اگر قوه سامعه نداشته باشد محال است از راه چشم مطالب علمی را به طور کامل استفاده کند. به هر حال در قوه سامعه مطالبی است که قوه با صره فاقد آن است و شاید تقدم قرآن نیز بدین علت باشد.

— این شخص کیست؟ حضرت فرمود: با خدا باش که او شاهد دشمن توست ولی از چشم او پنهان است.

● درباره اهمیت وقت چه سفارشی دارید؟

■ وقت آنقدر عزیز است که شما به هیچ قیمتی نمی توانید وقت تلف شده را جبران نمایید. وقتتان را مغتنم بشمارید. مرحوم علامه حلی، آن مرد محقق و ادیب از نجف به کربلا سفر کرد تا حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند. به همین علت چند روزی درسهای ایشان تعطیل شد. اما وقتی به نجف برگشت و اقامه جماعت کرد فرزندش که یکی از محققین عالیمقام است پشت سر پدر نماز خواند.

● آیا همه روایات کتاب «اسرار آل محمد» نوشته سلیم بن قیس

■ سلیم بن قیس مردی است که علمای رجال او را توثیق کرده‌اند. او سعادت درک محضر پنج امام معصوم را یافته و از اصحاب حضرت عقی و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام بوده است. کتاب اسرار آل محمد (ص) نیز که تألیف اوست، هر چند از سوی بعضی از علما از جمله شیخ مفید مورد تردید واقع شده اما سایر دانشمندان اسلام آن را پذیرفته‌اند. در مجموع روایات صحیح و سقیم را می‌توان در کتاب ایشان یافت که قابل تأمل و بررسی است.

● آیا شیطان برای فریب انسان آفریده شده و اگر نبود باز هم

آدمی گناهی مرتکب می‌شد؟

■ اگر شیطان وجود نداشت، بشر باز هم گناه می‌کرد. چنین نیست که ما تقصیر همه گناهان را به گردن شیطان بیندازیم. شیطان آدمی را به گناهان تحریض می‌کند، اما نقش نفس امره را هم نیایستی نادیده گرفت. تفاوت در اینجاست که اگر فقط نفس وجود می‌داشت و شیطانی نبود آدمی میل به گناه پیدا می‌کرد و بعد هم آن را فراموش می‌نمود. این شیطان است که انسان را دمام و وسوسه می‌کند و در روایات داریم که شیطان در جسم و جان شما آن چنان نفوذ دارد که خون در میان رگهای شما. مرتب القا می‌کند، به یاد می‌آورد و انسان را به معصیت تحریک می‌نماید. از این رو هر چه شما عالم‌تر و با سوادتر باشید، شیطان با سوادتری به سراغ شما می‌آید. و باز به همین جهت است که گفته‌اند «شیطان الفقهاء فقیه الشیاطین» شیطانی که برای فقه‌گمارده می‌شود فقیه‌ترین شیاطین است.

اما این که آیا خدا شیطان را برای فریب آفریده؟ خیر، چنین نیست و لازم نیست که خداوند او را برای فریب آفریده باشد. مگر شیاطین دنیا که به مراحل بالاتری از شیطنت و حیثیت رسیده‌اند برای فریب آفریده شده‌اند؟ خداوند آنها را آفریده تا انسانهای پاک‌ی شوند و به کمال مطلوب دست یابند. هرگز خداوند در خلقت خویش غرض سوء نداشته و بنده‌ای را برای جهنم نیافریده است، او خود جهنم را به اختیار خویش برمی‌گزیند.

● آیا مقام عظمت یک عنایت خاصه است یا انسان در اثر

عبادت می‌تواند به این مقام دست یابد؟

■ در پاسخ به این سؤال لازم است گفته شود که عصمت دو نوع است: عصمت تکوینی و عصمت تشریحی.

عصمت تکوینی آن است که خداوند انسانی را ذاتاً به قدری والا و ارزشمند آفریده باشد که او دیگر گناه نکند و فرشته‌ای هم مأمور است که نگذارد او به گناه و اشتباه مبتلا شود. این نوع عصمت مخصوص انبیا و ائمه علیهم السلام است. آنان علاوه بر این که گناه نمی‌کنند، اشتباهی را هم مرتکب نمی‌شوند و کسی غیر از انبیا و امامان نمی‌تواند به چنین تعالی دست یابد.

ام عصمت تشریحی بدین معناست که انسان خود مواظبت کند که گناه نکند. مثلاً کسی یکی دو سال بعد از بلوغ عمر کرده و در اثر مواظبت خود و دقت پدر و مادرش به گناه آلوده نشده و بعد هم از دنیا رفته است. چنین شخصی هم معصوم است به عصمت شرعی، اما تفاوت اینچنین عصمتی با عصمت خاص تکوینی از زمین تا آسمان است.

● آیا بهشت و جهنم فعلاً موجود است؟

■ اعتقاد ما بر این است که بهشت و جهنم هم اکنون موجود است. بلکه به خاطر وجود مبارک شما قبل از خلقتشان جای شما را در آنجا تعیین کرده‌اند. اگر انسان خوب و مهذب باشد به مکان بهشتی خود دست می‌یابد و جایگاه جهنمی‌اش را به دیگری می‌دهند و بالعکس اگر فرد بی‌ایمانی باشد، او را به جایگاه جهنمی‌اش سوق می‌دهند و بهشت او را در اختیار شخص دیگری می‌گذارند.

برای همین است که در دعای ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: خداوندا، اگر می‌خواهی کسانی را خوار و ذلیل گردانی، مرا [در عوض آنها] گرامی بدار و جایگاهشان را به من کرامت کن و از حورالعین آنها مرا نصیب فرما. با این تفصیل آنچه من از روایات استفاده کرده‌ام این است که زمین بیاض و بایر انسان در بهشت موجود است، اما بنا را بایستی خود ما بسازیم، این ما هستیم که با اعمال خود می‌توانیم در این زمین مستعد بنایی مجلل و باشکوه و یا دخمه‌ای تنگ و تاریک بسازیم.

● چگونه متوجه شویم غذایی که می‌خوریم حلال است؟

■ این مطلب بسیار مهم است که انسان متوجه غذای خودش باشد و سعی کند حرام نخورد، حرام نیشامد و یا حتی حرام نپوشد و در حرام اقامت نکند.

ملاک تشخیص حرام از حلال، رساله عملیه است. سعی کنید رساله توضیح المسائل را مطالعه کنید و با مفاد آن آشنا شوید.

به یاد دارم با شهید محراب آیه الله مدنی به اطراف قم

رفته بودیم. مسئله ای پیش آمد، رساله به همراه نداشتیم. در آن زمان رساله عملیه «وسیلة النجاة» مرحوم اصفهانی بود و من از ایشان تقلید می کردم. با این که تابستان و هوا بسیار گرم بود برگشتیم، وسیلة النجاتی پیدا کردیم و بدان مشغول شدیم. مرحوم شهید مدنی می خندید و می گفت: رفیق خود را پیدا کردی؟

رساله از آن شخص نیست، برنامه عملی امام زمان است. رساله از آن پیامبر اکرم است و خود آن حضرت هم عامل به احکام است، و میزان درحلیت و حرمت در زمان غیبت و شناخت احکام توضیح المسائل است.

● آیا این مبالغی که روزانه صرف ساختن مسجد و با مصلی و غیره می شود بهتر نیست در امور دیگر هزینه شود؟

■ زمانی که حضرت آیه الله بروجردی بعضی از مساجد قم را می ساختند، برخی از عوام اعتراض می کردند که خوب است ایشان این پولها را صرف ساختن کارخانه و مدرسه و خانه برای فقرا و غیره نمایند. در صورتی که واقع امر چنین است که بعضی از افراد خیر و نیکوکار، اعانات و خیرات خود را فقط برای ساختن مسجد و حوزه علمیه و مصلی به مراجع می دهند. این مبالغ اگر در این راه مصرف نشود، از دست رفته است و ممکن است آن شخص صرف امور دیگر نماید. و مراجع نیز برای ساختن مسجد و حوزه علمیه و موارد دیگر نخست بانی پیدا می کنند و آنگاه به ساختن آنها اقدام می ورزند.

● اعتقاد مسلمین پیرامون رجعت چیست؟

■ رجعت در مقابل ظهور است. ظهور یعنی امام زنده ای که از انظار مخفی بوده است، در بین مردم ظاهر شود، اما رجعت بدین معناست که برخی از امامانی که از دنیا رفته اند، زنده شوند و امامت خود را از سر گیرند. من در این باره تحقیقات و تدقیقاتی دارم و به این نتیجه رسیده ام که فی الجمله رجعت حق است ولو از سوی برخی از دانشمندان شیعه از جمله مرحوم کاشف الغطا در کتاب معروف «اصل الشیعة و اصولها» مورد تردید و انکار واقع شده باشد.

مرحوم علامه مجلسی رحمة الله برای رجعت ادعای ضرورت می کند [بدین معنی که اگر کسی بدان عقیده نداشته باشد، اساس دین را منکر شده است]. در زمان رجعت برخی از امامان و همچنین بعضی از مؤمنین خالصی که آرزوی قیام حضرت مهدی را داشته و با آن آرزو از دنیا

رفته اند، زنده خواهند شد.

● آیا شهدا و با کسانی که جسد آنها در زمین مدفون نمی شود، فشار قبر دارند؟

■ در مورد شهدا ظاهر امر این است که خداوند آنان را می بخشد و به فشار قبر مبتلا نمی شوند. اما در مورد کسانی که مدفون نمی شوند، نظیر آنان که در دریا غرق می شوند، این نکته قابل تأمل است که فشار مربوط به روح است. وقتی که روح از جسد بیرون رفت، فشار بر آن وارد می شود. اگر جسد در هوا باشد، هوا فشارش می دهد. اگر در آب باشد، آب به او فشار می آورد و اگر در زمین باشد زمین او را می فشارد. این فشار به بدن وارد نمی شود، بل روح است که متحمل این سختی می شود.

همانند کسی که دچار کابوس شده و خواب ترسناک می بیند. او در خواب فریاد می زند، گریه می کند و اظهار درد و الم می نماید، در صورتی که در بدن او هیچ اثری از درد و ناراحتی مشاهده نمی شود. در حقیقت این سختی و صدمه به روح او وارد شده است.

نکته دیگر این که فشار برای همه نیست، اصلاً سؤال برای همه نیست. عده ای سؤال قبر دارند و دسته ای دیگر وقتی چشم می گشایند، قیامت را مشاهده می کنند. اصلاً عالم برزخ ندارند. روح آنان در عالم برزخ به تعبیر امام صادق علیه السلام همچون کسی که چرتی بزند و لحظه ای بعد بیدار شود، سیر می کند.

● چه کنیم تا گرفتار چشم چرانی نشویم؟

■ چشم در عین حال که از بزرگترین نعمتهای خداوند به شمار می رود، گناهان زیادی را ممکن است مرتکب شود. حفظ دیدگان از گناه و معصیت یکی از مشکل ترین طاعات جوانان است. مرحوم شیخ عباس قمی به جوانان توصیه می کند که نه تنها نظریه اجنبی نکنند، بل به بعضی از مطالب تحریک آمیز فکر هم نکنند. خیال بد گناه موجب تحریک است و انسان را به گناه ترغیب می کند و ما امیدواریم جوانانمان با تقوی و عفت خود را از شرور نفس اماره در امان بدارند.

● درباره نماز جمعه چه توصیه ای دارید؟

■ من معتقدم که همه باید به نماز جمعه بیایند و کسانی که عذر دارند، گاهی سری به مصلی بزنند و نماز جمعه ای بخوانند تا در انظار متهم به مخالفت با نماز جمعه نگردند. کسی که در سالهای پس از انقلاب هیچ در نماز جمعه

حاضر نشده است [ولو معذور هم بوده] عمل زنده ای را مرتکب شده است. اگر امام جمعه ای هم مثل من سراپا خطا و تقصیر باشد، شما باز هم به نماز جمعه بیایید و صورت جمعه ای را به جا آورید و چنانچه خواستید بعداً نماز خود را اعاده کنید. برخی گمان می کنند نماز جمعه از آن امام جمعه است. خیر! نماز جمعه از آن خدا و شعار اسلام و انقلاب اسلامی است.

● آیا بی سوادی واقعی بودن نقصانی برای پیامبر اسلام به شمار نمی رود؟

■ خداوند در آیه چهل و هشتم از سوره مبارکه عنکبوت می فرماید: «وما کنتم تتلوا من قبله من کتاب ولا تخطه بيمينک اذا لارتاب المبطلون». ای پیامبر! تو پیش از این نه می توانستی کتابی بخوانی و نه خطی بنویسی (وما این مطلب را مقدمه رسالت تو قرار دادیم) تا مبدا مبطلان در نبوت توشک و ریبهی کنند (و بگویند این کتاب وحی خدا نیست و او خود از روی کتب سابقین جمع و تألیف کرده است).

این بی سوادی نه تنها نقصان پیامبر نیست، بلکه معجزه او محسوب می شود. کسی که چهل سال از عمر را به عوامی و شبانی سپری کرده، کلاس ندیده و به مدرسه نرفته است، شبی از فراز کوه نور پایین می آید و فریاد می زند که من کتابی برای شما آورده ام که اگر همگان جمع شوید نخواهید توانست نظیر آن را بیاورید و آنگاه در عمل نیز بر مدعای خویش صحه می گذارد و کتاب خویش را می خواند و فصحا و بلغای عرب آن را می شنوند و می نویسند و انگشت اعجاب به دندان می گزند و از ژرف نگری و تعمق آن به شگفتی فرو می روند. آیا این جز معجزه چیز دیگری می تواند باشد؟!

● نقش حوزه های علمیه در رفع فساد از جامعه چیست؟

■ همه ما باید بکوشیم که با فساد محیط و جامعه خود مبارزه کنیم. وظیفه طلاب حوزه علمیه این است که آنچنان درس بخوانند و قوی بشوند که بتوانند در محیط خودشان موج ایجاد کنند و با اعمال و مواظ و نصایح خویش جامعه را به خیر و صلاح سوق دهند. و علما و مسئولان نیز زری طلبگی خویش را از دست ندهند و در هر رتبه و مقامی که هستند با عمل خویش مردم را به اسلام بخوانند و خود قبل از همه به ارزشهای انقلاب اسلامی پایبند باشند و با اصلاح خود انشاء الله بتوانند ایران را اصلاح کنند و زمینه صدور

ارزشهای اخلاقی و انقلاب و اسلام را به اقصی نقاط عالم فراهم آورند.

● از دیدگاه حضرت عالی ورزش و تفریح برای جوانان تا چه حدی ضرورت دارد؟

■ چیزی که من خود تجربه کرده ام این است که جوان باید به مزاج و بدن خویش به اندازه کافی رسیدگی نماید. چه بسا اتفاق می افتاد که من در مدرسه فیضیه شبانه روزی ده قدم هم راه نمی رفتم و اکنون پی برده ام که اشتباه کرده ام. شما حداقل باید در روز، خصوصاً هنگام صبح، قدری راه بروید. به جسم خود هم رسیدگی کنید که اگر جسم ناسالم باشد، روح نمی تواند کاری انجام دهد. گاهی انسان یک ساعت می نشیند و مطالعه می کند ولی هیچ نمی فهمد، چون جسم آمادگی کافی ندارد، اما گاه بدن سرحال است و انسان در عرض مدت کوتاهی مطالب زیادی را مطالعه کرده و از آنها استفاده واقعی می برد.

● آیا به نظر شما حذف بعضی از اشعار جاهلیت از متون ادبی عرب صحیح است؟

■ خیر، بنده به دو دلیل با حذف این اشعار مخالفم. یکی این که اشعار جاهلیت، عربی محض و خالص و مدرک لسان و لغات عرب است و ما نمی توانیم مدارک خود را حذف کنیم، و دوم این که این اشعار تابلویی است که از عقاید و اخلاق و آداب و رسوم جاهلیت برای ما کشیده اند تا ما بدانیم که دین اسلام در بین کدام انسانها ظهور کرده و پیامبر از آن اعراب جاهلی چه زبده گانی را به عالم بشریت هدیه کرده است.

● معنای حدیث «السعيد سعيد في بطن امه والشقي شقي في بطن امه» چیست؟

■ این حدیث فی الجمله اشاره دارد به این که انسان شقی در شکم مادر شقی و انسان سعادت مند در شکم ما در سعادت مند است. البته فهم این حدیث نیاز به تأمل و تدبر دارد و شاید بتوان گفت که خمیره انسان در شکم مادر قابلیت پذیرش صفات زشت و نیکو را داراست. البته این سعادت و شقاوت انسان را در خارج مجبور به عمل نمی کند. یعنی اقتضای کار زشت و نیکو در آدمی هست، ولی او یک عقل مدبر و مدیر دارد که کنترل آدمی در دست اوست. چنانچه لحام خود را به دست عقل دهد، او را به سمت هدایت رهنمون است، و اگر از فرمان او تخلف کند، خود را در ورطه هلاک افکنده است.